

روزنامه

دانشگاه صنعتی شریف

گزارشی از برنامه زخم کهنه
درباره مسائل کارگران شرکت هیکو

خصوصی‌سوزی

۲

فارسی‌اش را بلد نبودیم

یک حاشیه‌نگاری کوتاه بر اردوی ورودی‌های ۹۸

۳

در جهان هم حرف برای گفتن داریم

گفت‌وگو با مدیر گروه ارتباطات شرکت مهیمن درباره
موفقیت این شرکت در رویداد ITU

۴

عکس جلد: نگین خسروانی نژاد

بی‌تعلق و سروت

بزرگ‌تر از دهانش دراز کرده و البته برخی اوقات هم زودتر یا دیرتر از موعد به موضوعی ورود می‌کند. بودن این موارد طبیعی‌ست اما زیاده‌اش، نه! مستقل از کج و راست رفتن‌ها، ارزش مطالبه‌گری‌های دانشجویان است که نتیجه‌فکر و تحقیق خودش را تبدیل به کنش می‌کند و فارغ از خطاهای حین کار و هر نتیجه‌ای که ممکن است داشته باشد، کار او به‌عنوان یک خروجی برآمده از تشخیص و تلاش دانشجویان ارزشمند و قابل ستایش است. ویژگی کنشگری دانشجویی بر خلاف واکنش فلان نهاد و بهمان مسئول و بی‌سار گروه به‌موقع بودن آن است و همین به‌هنگام بودن است که فعالیت‌های دانشجویی را اثرگذار کرده است. و چه لذتی بالاتر از اثرگذاری مثبت در این دنیای رنگارنگ که نقطه مطلوب همه فعالیت‌هاست.

می‌رساند، «آزادگی» ست. آزادی از همه معادله‌های هزار مجهولی قدرت و ثروت! اصلاً هنوز وارد این بازی‌ها نشده و طبیعی است که تنها وابستگی او، آرمانش است. حتی شاید همین آزادگی در راه رسیدن به آرمان باشد که گاهی او را یقه‌گیر مسئول بی‌لیاقت می‌کند و گاهی هم از او بلندگویی برای صدای خسته کارگران و محرومان می‌سازد. هر چه که باشد، این حس وظیفه همیشه همراه دانشجوی بوده و هست و شاید به همین دلیل هم انتظارات جامعه از این قشر را به این سمت و سو سوق داده است. البته که این مطالبه‌گری‌ها، بی‌هزینه هم نبوده و نیست و نخواهد بود! دانشجوی گاهی کار اشتباهی می‌کند، گاهی هم دست به سمت لقمه‌های

روزهای اولی بود که افتاده بودم پی مشکلات کارگران کارخانه هیکو. می‌رفتم سراغ کارگرها تا حرف حسابشان را بشنوم. یکی از آنها می‌گفت: ببین آقای فلانی! صدای ما که به هیچ‌جا نمی‌رسد! و هر چه صدا زدیم، کسی حرف ما را نشنید؛ مگر شما کاری بکنید... آقای کارگر، به من و دوستانم «امید» داشت. به‌مای دانشجویی که انگار خاک ما را با مطالبه و جنب‌وجوش آب زده‌اند... مای دانشجویی که می‌تواند، و اصلاً بخوانید باید، صدای مردم باشد. علتش را اگر از من بپرسید، به‌نظرم مهم‌ترین عاملی که یک دانشجوی را به این سطح از کوشش و دوندگی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی



سید محمدامین
سپیده‌دم

سرمقاله



روزنامه دقت کن!

موضع جانبدارانه همسو یا ناهمسو داشته باشد. به همین خاطر ترجیح دادیم خودمان از تشکل های دانشجویی به خصوص بسیج دانشجویی و انجمن مستقل که این اتفاق بیشتر درباره شان افتاده بود و البته ورودی های جدید عذر بخواهیم.

اصلاحیه: در سوال آخر مصاحبه شماره قبل با آرش امامی متن پیاده شده این کج تایی را داشت که ستاد برنامه های تهران استقبال از ورودی ها بعد از استعفای مسئول اردوی مشهد تشکیل شده، در حالی که تیم ستاد تهران پیش از این اتفاق تعیین شده بودند و تنها زمان معرفی آنها بعد از استعفای اردوی مشهد بود.

روزنامه امسال هم یک ویژه نامه برای ورودی های جدید داشت که روز ثبت نام توزیع شد که به قاعده معرفی دانشگاه، مکان های مهم و احوال و آموزش و گروه ها و تشکل های دانشجویی دانشگاه در آن معرفی شدند. اما انگار وجه سیاسی تشکل های دانشجویی آن قدر ما را مست خود کرده بود که دامن از کف دادیم و به جای متن معرفی چیزهایی از جنس نقد و بیانییه سیاسی هم در متن آمد. پرواضح است که کارکرد ویژه نامه ورودی ها برای روزنامه یک معرفی اجمالی از دانشگاه است که از آن عدول کردیم. جدا از این، روزنامه مایل نبوده و نیست که در برابر تشکل های دانشجویی دانشگاه

ماهنامه دانشجویی اوج در شماره سی و نهم خود سرمقاله را به موضوع چارت آموزشی و وضعیت اسفبار آن اختصاص داده و ماجرای روند ایده ها و تصمیم گیری ها درباره تغییر و اصلاح آن را ارائه می دهد. اوج در صفحات داخلی به معرفی تیم منتخب طراحی هواپیما در سال ۲۰۱۹-۲۰۱۸ و طرح هایی برای ساخت هواپیمای بدون سرنشین و معرفی سیستم های هواپیما پرداخته است. خلاصه آنکه اگر به شدت علاقه مند به حوزه هوافضا هستید و یا دانشجوی دانشکده سفید شریف هستید، این نشریه حجیم را مطالعه بفرمایید.

نشریه رویان مهندسی شیمی و نفت در شماره اول نیم سال جدید که به ورودی ها اختصاص داده بود، سعی داشت مطالب بسیاری را در یک شماره به گوش مخاطبانش برساند و نداشتن عکس و پر بودن از مطلب از ویژگی های خاص این شماره بود که هیچ کدام را به هیچ کدام نمی توانیم ببخشیم. مثل همه نشریه های دیگری که برای ورودی های جدید در دانشگاه چاپ می شود، این شماره از رویان پر است از مطالب مختلف از زبان سال بالایی ها برای جدیدها تا بدانند در دانشگاه چه خبر است، چه کارهایی انجام می دهند و چگونه می توان بهتر و بیشتر زنده ماند.

ویژه نامه ورودی های رایانش با طرح جلد جذابش که با پرچم کامپیوتری ها در اردوی ورودی ها هم ارتباط داشت، اول این هفته به دست ورودی های جدید رسید و طبق روال همه ویژه نامه های ورودی ها مخاطب اصلی اش کامپیوتری های ۹۸ ای و هدفش هم آشنایی هر چه بیشتر آنها با فضای دانشگاه و دانشکده برج عاج نشینان شریف است. صفحه آرای این شماره از رایانش با تیم جدیدش نسبتا چشم نواز است و دو متنی که استادان دانشکده کامپیوتر برای آن نوشته اند، از نکات قابل توجه رایانش ۱۳ در دوره دوم به شمار می رود.

گزارشی از برنامه زخم کهنه درباره مسائل کارگران شرکت هیکو

از نان گزیده ها



مستند روی سن حاضر شد. اودر میان حرف های خود به تأکید رهبری بر مسائل اقتصادی اشاره کرد و مستند خود را در این راستا دانست. همچنین گلایه ای نسبت به صدا و سیما داشت که بیشتر از نصف مستند او را سانسور کردند و بعد در شبکه افق نمایش دادند. در بخش بعدی سه نفر از کارگران، به نمایندگی از سایر کارگران هیکو روبروی دانشجویان صحبت کردند. در بین صحبت های یکی از آنها به این مسأله اشاره کرد که در سال ۸۶ دارای جاری شرکت حدود ۲۸۰ میلیارد تومان بوده در حالی که سازمان خصوصی سازی، ۶۰ درصد سهام شرکت را به قیمت ۷۰ میلیارد تومان واگذار کرده است. البته نمایندگان کارگران حرف های بسیار بیشتری داشتند که به خاطر کمبود وقت، حرف ها ناگفته ماند.

در پخش پایانی کریمی، نماینده شهر اراک و سعیدی مدیرعامل شرکت هیکو (از سال ۸۸ تا ۹۵) پشت میکروفون ها نشستند. البته دکتر صالح، رئیس سازمان خصوصی سازی هم دعوت شده بود ولی صندلی خالی اودر کنار سایر مدعوین به چشم می خورد. کریمی صحبت های خود را با نقد انتخاب افراد بی ارتباط برای مدیریت شرکت هیکو شروع کرد و تلویحا به این موضوع اشاره کرد که تحصیلات سعیدی ارتباطی با شرکت هیکو ندارد، اما مدیرعامل اسبق هیکو این موضوع را رد کرد و مسأله اصلی را سیاست های دولت به هنگام شروع مشکلات هیکو دانست. در پایان هر دو مدعو بر سر این موضوع اشتراک نظر داشتند که برای حل مشکلات هیکو دولت باید در مسأله مالکیت هیکو وارد شود و این روند بیمار خصوصی سازی متوقف گردد. البته طعنه های مداوم این دو مهمان به یکدیگر و گم شدن صدای آنها در صدای یکدیگر، باز هم یادآور این نکته بود که در زمینه یادگیری «گفت وگویی صحیح» با چالش مواجهیم.

صندلی های آمفی تئاتر مرکزی دیروز تجربه متفاوتی داشتند. تجربه دست هایی که خطوط آنها، مشهودتر از دست های مراجعان همیشگی آمفی تئاتر بود. امروز بچه های دانشگاه، در کنار تعدادی از کارگران شرکت هیکو اراک که مدت ها است حال خوشی ندارد، به تماشای مستند «نان گزیده ها» نشستند. نان گزیده ها مستندی است که با به تصویر کشیدن مردی ناامید، در کنار خطوط راه آهن شروع می شود، غم کارگران را نشان می دهد و داستان خیانتی را که در حق هیکو شده است، از چشم ظلم دیده های ماجرا روایت می کند. دانشجویان در نمایش مستند می شنیدند که هیکو در زمینه های تولید ماشین آلات و ابزار صنعتی فعالیت می کند؛ شرکتی که در گلوگاه های بحرانی، مثل زمان جنگ به کشور کمک کرده تا ورق را برگرداند و در شرایطی مثل تحریم ها از فشار خارج شود، حالا به سبب سیاست های نادرست، خصوصی سازی ناصولی و ورود افراد بی کفایت زمین گیر شده است. نتیجه این ماجرا، از کار بیکار شدن بخش مهمی از کارگرا و به تعویق افتادن حقوق باقی مانده کارگران بوده است.

نمایش این مستند به همت بسیج دانشجویی، از ساعت ۲ بعد از ظهر شروع شد. احتمالا شما هم در میان اخبار مختلف، ماجرای اعتراض کارگران این شرکت را شنیده اید و در ادامه متوجه شده اید که در میان اعتراض ها، تعدای از کارگران کتک خورده اند و برخی هم دادگاهی شده اند. حالا در روند پیگیری آسیب دیدن یکی از ستون های صنعت کشور، جمعی از بچه های دانشگاه برنامه نمایش مستند و دعوت از نماینده مجلس اراک به همراه مدیر سابق هیکو را تدارک دیدند.

بعد از اکران مستند، محمدرضا حاج محمد حسینی، کارگردان

گزارش

کیما جوارچی

میز نشریات

زهرا طائفی

نشریه صدف شماره صد و هفتادم خود را در سال تحصیلی جدید با عکسی از سید ابراهیم رئیسی آغاز کرد. صدف با این شماره مدت ها غیبت خود در بین نشریات شریف را به پایان رساند. در این شماره بچه های انجمن اسلامی دانشجویان مستقل به بررسی عملکرد قوه قضائیه در دوران ریاست آقای رئیسی پرداخته اند و صدف شان قوه قضائیه حاضر را «قوه امید» نامیده است. در سرمقاله این شماره به قلم دبیر انجمن مستقل به سرگذشت این انجمن و چگونگی شکل گیری آن در دو دهه گذشته اشاره شده است. در متنی که به نیم فاصله اعتقادی ندارد! به مقایسه دانشگاه و مجلس و انتقاد از نبود سیستمی برای سنجش حضور و غیاب نمایندگان پرداخته شده و در کاری جالب گزارش حضور و غیاب نمایندگان در سه ماه اردیبهشت، خرداد، تیر در قالب کد QR قرار داده شده است. دو بخش کتاب باز و فیلم باز نیز به معرفی آثاری مرتبط با ایام محرم مانند مجموعه «کاشوب» از نشر اطراف به مدیریت نفیسه مرشدزاده، یکی از فارغ التحصیلان دانشگاه شریف و فیلم های فاخری در این باره پرداخته است. نبود عکس در بین مطالب را به کم حجم بودن نشریه می بخشیم.

نشریه بوطیقا در شماره سوم خود به طور مفصل به مهدی اخوان ثالث پرداخته و تلاش کرده است تا به قول خودش «سر مخاطب شیره بمالد» و به هر صورتی اخوان را بشناساند. در این شماره در مورد حسین آهی، شاعر تازه درگذشته نیز مطالبی به چشم می خورد. از ویژگی های بارز این نشریه می توان به حجیم و ثقیل بودن در عین داشتن حاشیه ای زیبا اشاره کرد. اگر عجیب به شعر علاقه مند هستید، این نشریه را به شما پیشنهاد می کنیم ولی اگر زیاد در سرزمین شعر اهلی نیستید، شاید اینجا جای شما نباشد و احساس آرامش و آسایش نداشته باشید.

کسب و کار خود را راه بینداز

اگر در ذهن تان طرح و ایده ای فناورانه بایک مدل کسب و کار در جه اول مدت ها است خیس خورده یا در کوچه پس کوچه های منطقه نوآوری شریف که راه می روید، ناگهان دل تان می خواهد استارت آپ خودتان را داشته باشید، یازدهمین دوره جشنواره «کارآفرینی و توسعه کسب و کار شریف» یا همان vc cup را از دست ندهید. این جشنواره که مرکز کارآفرینی متولی آن است، با هدف ایجاد ارتباط میان صاحبان ایده و کارآفرینان با سرمایه گذاران در سه حوزه ایده، طرح و استارت آپ برگزار می گردد. برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر تا تاریخ ۳۰ مهر به آدرس vcup.sharif.ir مراجعه نمایید.

باکس خبری

هفته بعد را در نمایشگاه کار بگذارید

هفته آینده برای ورزشکاران دانشگاه هفته خوبی نیست، چرا که دوباره سالن جباری قرار است تبدیل به یک سالن نمایشگاهی شود و بساط ورزش تعطیل. البته این تعطیلی برای دانشجویهای شریف اتفاق مبارکی به حساب می آید. دهمین نمایشگاه کار شریف از شنبه تا سه شنبه هفته بعد برگزار می شود و شرکت های متنوع و مختلفی به شریف می آیند تا با دانشجویها و کار جوان ارتباط بگیرند و نیروی مورد نیاز خود را جذب کنند. دانشجویان نیز می توانند از این فرصت برای آشنایی با بازار کار و فضای اشتغال بیرون دانشگاه و بعضا ورود به شرکت های مورد نظر استفاده کنند.



یک حاشیه‌نگاری کوتاه بر اردوی ورودی‌های ۹۸

فارسی‌اش را بلد نبودیم



گزارش

محمدجواد شاکر

سالن غرق در سکوت است که ناگهان صدای تشویق ایسلندی بچه‌های کامپیوتر جوسالن را متشنج می‌کند. از آن طرف برقی‌ها هو می‌کنند، کمی که سر و صداها می‌خوابد، صناعی‌ها همان شعار معروف‌شان را می‌دهند که معلوم نیست تخریب خودشان است یا بقیه رشته‌ها. مکانیکی‌ها در هر فرصتی عبارت مشهور خودشان را با آن ریتم خاص دم می‌گیرند. دخترها هم که در گوشه دیگر سالن نشسته‌اند، نمی‌خواهند از قافله عقب بمانند و شعارهایشان کم‌وبیش به گوش می‌رسد. سرگروه‌ها و کادر اجرایی قصد دارند شعارها را متوقف کنند تا «شریف تاک» شروع شود ولی دکتر فتوحی به دکتر حسینی می‌گوید اشکالی ندارد و اجازه بدهید بچه‌ها راحت باشند. همین می‌شود که صدای شعارها و تکان خوردن پرچم‌ها در سالن کنفرانس مجتمع سپید مشهد با حضور هیأت‌رئیسه و حدود ۴۰ استاد دانشگاه، آدم‌را بیشتر یاد ورزشگاه می‌اندازد تا اردوی ورودی‌های جدید دانشگاهی با نام شریف.

چرت عصرگاهی در حرم

اولین برنامه مهم اردو «شریف دمو» نام دارد؛ البته اسمش چندان تأثیری بر محتوایش نگذاشته است. عصر چهارشنبه سالن قدس حرم امام رضا(ع) از پُر هم کمی پُرتر شده. صندلی‌های خود سالن جوابگو نیست و تعدادی صندلی از صحن‌های حرم برای نشستن بچه‌ها آورده اند ولی باز هم جا کم است و عده‌ای روی زمین نشسته‌اند. شلوغی سالن را کنار سخنرانی‌های نه‌چندان جذاب دکتر قیدی، دکتر مقداری و حاج آقا طباطبایی که بگذارید، نتیجه‌اش چرت‌های دل چسب و ورودی‌هاست که خستگی سفر با قطار هم‌به‌تن‌شان مانده. برنامه با تم یکنواختش دوساعتی طول می‌کشد و بلافاصله بعد از آن همه راهی حرم امام رئوف (ع) می‌شوند تا سفره دل باز کنند پیش حضرت سلطان.

استادها همه جا هستند

در ایستگاه راه آهن هستی و می‌بینی استادها هم مثل بقیه کارت اردو را به گردن انداخته‌اند و چمدان به دست دارند سوار قطار می‌شوند. در شریف دمو و شریف تاک هم ردیف اول و دوم را پر کرده‌اند و از اول تا آخر برنامه را حضور دارند. شام روز چهارشنبه هم به اردوگاه می‌آیند و در کنار بچه‌ها استامبولی اردو را می‌خورند. بعد شام به خوابگاه‌های اردوگاه می‌روند و ساده و صمیمی با دانشجو‌ها گپ می‌زنند. پنج‌شنبه هم که از صبح تا شب‌شان در اختیار اردوست و در برنامه «چای با استاد» از رشته و درس و زندگی برای بچه‌ها می‌گویند، با آنها چای می‌خورند و عکس یادگاری می‌گیرند و حتی استادهای برق بدون برنامه‌ریزی قبلی ورودی‌های برق را به وکیل آباد

می‌برند تا از نمایشگاه الکترونیک بازدید کنند. حتی صبح روز آخر تعدادی از استادهای طوس هم کنار ورودی‌ها هستند و به پرسش‌های تمام‌نشدنی‌شان جواب می‌دهند.

شریفی‌ها تد ارائه می‌دهند

صبح روز پنج‌شنبه بچه‌ها را ساعت هفت بیدار می‌کنند تا سریع صبحانه بخورند و راهی مجتمع سپید شوند و در مهم‌ترین برنامه اردو شرکت کنند. نیم ساعت اول برنامه به استقرار بچه‌ها در سالن تشکیل مجتمع و شعارها و کری‌های دانشکده‌ای می‌گذرد. سپس دکتر فتوحی پشت تریبون می‌رود و مقدمه کوتاه برنامه را اجرا می‌کند. در ادامه قرار است چهار فارغ‌التحصیل شریف که راه‌های نسبتاً متفاوتی را در زندگی طی کرده‌اند، برای ورودی‌های جدید شریف تد ارائه بدهند. روح الله دهقانی فیروزآبادی، استاد دانشکده هوافضا و معاون تحقیقات و فناوری و نوآوری دانشگاه آزاد اولین ارائه را دارد و از کار صنعتی و درس و فناوری و چیزهای دیگر می‌گوید. بعد از او نوبت به مونا ناصری می‌رسد؛ فارغ‌التحصیل کارشناسی مهندسی شیمی و ارشد کارآفرینی که مدیر سابق شتاب‌دهنده شریف و موسس شتاب‌دهنده بانا بوده و می‌خواهد کمی بچه‌ها را با کارآفرینی و استارت‌آپ آشنا کند. سومین ارائه‌دهنده علی فتوت احمدی، استاد دانشکده برق و مدیرعامل شرکت کاوش کام آسیا است که روی سخنش بیشتر با برقی‌های جمع است و درباره دانشگاه و درس خواندن و علم و پژوهش صحبت می‌کند. اما آخرین ارائه احتمالاً غافل‌گیری تیم طرح و برنامه اردو برای ورودی‌های جدید است؛ محمدحسین بادامچی که از مکانیک شریف به جامعه‌شناسی کوچ کرده و الان هم ریاست اندیشکده مهاجر را بر عهده دارد. فرم و محتوای ارائه بادامچی با سه نفر قبلی تفاوت دارد و شاید برای ورودی‌ها کمی نامأنوس است، لابه‌لای روایت زندگی‌اش از آرمان‌گرایی، تمدن‌سازی و علوم انسانی می‌گوید و بچه‌ها را کمی در خلسه فرو می‌برد. نزدیک سه ساعت تد شریفی به پایان می‌رسد و اهالی جدید شریف بعد از نماز و ناهار به تفکیک دانشکده‌هایشان در کلاس‌های مختلف مجتمع جمع می‌شوند و از استادهای چند روز بعدشان سیر تا پیاز این چند سال را می‌پرسند و می‌شنوند. شریف تاک ۹۸ در مجموع، سر و شکل دادن به ایده‌های پراکنده‌ای بود که هر سال سهمی در اردوی ورودی‌ها دارند و کوشید چراغی باشد برای راه‌هایی که در نظر دانش‌آموزان چندماه پیش ناشناخته و تاریک است.

قبول کنیم که کم بودیم

سرگروه‌های امسال با لباس‌های سفیدشان بین پسرها و شال‌های رنگی‌شان بین دخترها تمایز خوبی با ورودی‌ها

داشتند، با این حال برای رسیدن به هدف‌هایی مثل ایجاد تعامل و ارتباط بین ورودی‌های هر دانشکده و حتی برخی کارهای اجرایی مثل جمع‌کردن و راهنمایی بچه‌ها تعدادشان کم بود. در برخی دانشکده‌ها مثل کامپیوتر به ازای هر ۲۵ ورودی یک سرگروه در اردو حضور داشت. این راه هم باید در نظر گرفت که با افزودن کادر اجرایی نمی‌توان خلا سرگروه‌ها را پر کرد، مگر اینکه ساختار اردو نسبت به روال مرسوم هر ساله کاملاً تغییر کند که احتمالاً کار ساده‌ای نیست و زمان بیشتری می‌طلبد.

تمرین فعالیت صنفی در بدو ورود

پنج‌شنبه شب قرار است مهندس سلطانی، رئیس اداره امور خوابگاه‌ها به اردوگاه‌های پسران و دختران بیاید و ضمن ارائه توضیحاتی درباره خوابگاه‌های دانشگاه و قوانین و مقررات آنها فرایند لیست‌گیری اتاق‌ها را نیز انجام دهد. با توجه به افزایش ظرفیت پذیرش شریف در یکی دو سال اخیر و افزایش تعداد دانشجویهای سنواتی، ظرفیت سکونت خوابگاه‌ها از تعداد دانشجویهای متقاضی کمتر شده و دانشگاه برای اسکان دانشجویها به مشکل برخورد کرده است. سلطانی با توجه به این مسأله اعلام می‌کند که بچه‌های خوابگاه طرشت ۳ مجبورند برای اتاق‌های چهار نفره این خوابگاه لیست پنج‌نفره پر کنند. اعلام این موضوع صدای اعتراض طرشتی‌ها را بلند می‌کند و زمزمه‌هایی از لیست‌ندادن شنیده می‌شود. پرسش و گله‌های دانشجویها و جواب‌ها و «مجبور بودیم»‌های رئیس اداره امور خوابگاه‌ها به نتیجه‌ای نمی‌رسد و در نهایت لیست‌گیری ساکنان کوچه‌باغ کاج به شنبه موکول می‌شود تا شاید از مشهد به تهران فرجی باشد. به همین سادگی ورودی‌های ۹۸ هنوز پایشان را به خوابگاه نگذاشته فعالیت صنفی و ایستادن پای حق و حقوق‌شان را تمرین می‌کنند و کمی مرد شدن یاد می‌گیرند.

تجربه‌ای که باید می‌دیدیم

اردوی ورودی‌های امسال با وجود تمامی حواشی و جنگ‌های توییتری و استعفاها و... شنبه صبح به پایان رسید. اگرچه اردوی امسال تفاوتش با اردوهای چندسال قبل محسوس بود، برنامه‌های تعاملی و جمعی کمی داشت، بچه‌ها را از این سالن به آن آمفی‌کشان، تفریح و بازی‌اش کم شده بود و به جای سرگروه‌ها و سال بالا‌های بیشتر می‌خواست وابسته به استادان باشد ولی واقعیت این است که هر کاری بکنی باز هم اردوی ورودی‌هاست. برخی تغییر و تحول‌ها در این اردو تجربه‌های ارزشمندی شدند که دیدن‌شان لازم بود و به بهبود روند اردو کمک کرد، اما حیف که با رسیدن قطار اردو به تهران، دل خیلی‌ها با خیلی‌ها مثل قبل نیست و زبان‌ها و جمله‌ها و کنایه‌ها کار خودشان را کرده‌اند.

روزنامه

دانشگاه صنعتی شریف

سال هفدهم • دوره جدید • شماره ۸۲۳

سه‌شنبه ۹ مهر ماه ۱۳۹۸

۳

بخش خبری

چطور می‌خند؟

دیدارهای رئیس‌جمهور در هفته قبل در سازمان ملل یک حاشیه بسیار پربازتاب داشت. تصویری در شبکه‌های مجازی دست‌به‌دست می‌شد از قهقهه رئیس‌جمهور در ملاقات با بوریس جانسون! منتقدان توپخانه را بلافاصله سمت رئیس‌جمهور گرفتند که چرا در حالی که روز قبلش رهبران انگلیس و آلمان و فرانسه مسئولیت حملات به تأسیسات آراکو در عربستان را متوجه ایران دانسته‌اند، با آنها با دیپلماسی لبخند برخورد کرده است؟

صد او سیما از این جهت به موضوع ورود کرد که مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه با بحران تظاهرات مردمی جلیقه‌زدها مواجه است، بوریس جانسون با بحران خروج بی‌توافق از اتحادیه اروپا و فشار روزافزون پارلمان بریتانیا برای جلوگیری از آن و ترامپ هم با طرح استیضاح در مجلس نمایندگان و کنگره آمریکا مواجه شده و این به نظرش و از دید رسانه‌ای نقطه قوت روحانی بود.

مشاور رئیس‌جمهور، حسام‌الدین آشنا توثیق کرد که رئیس‌جمهور به کنایه به بوریس گفته که شما با مشکل دادگاه عالی مواجه هستید و بوریس هم گفته من خودم مشکلم را حل می‌کنم. بوریس قبل از سفر به نیویورک پارلمان بریتانیا را با حکم قهری ملکه معلق کرد تا بتواند با دور زدن قوانین مصوب بدون توافق از اتحادیه اروپا خارج شود اما مرجع قانونی دادگاه عالی بریتانیا این حکم را نقض کرد و پارلمان دوباره باز شد. آشنا گفته بود دلیل قهقهه غیرمتعارف رئیس‌جمهور این کنایه بوده است. یعنی خیلی متشخص و قدرتمند رئیس‌جمهور از موضعی دست بالا به یکی از مشکلات جاری سیاست داخلی در انگلستان اشاره کرده و سبب خنده شدید در ملاقات دیپلماتیک این بوده است، اما فیلم منتشرشده ملاقات نشان داد حقیقت چیز دیگری است. موضوع شوخی دعوت بوریس جانسون برای سفر روحانی به انگلستان و اشاره او به آشنایی روحانی با گلاسکووست و این موضوع دلیل قهقهه دیپلماتیک رئیس‌جمهور بوده که عکس آن پخش شد، یعنی اتفاقاً دست بالای سیاسی در این صحنه از قضا در دست بوریس بوده و او سعی کرده به سابقه سفر روحانی و نسبت مثبتش با انگلستان اشاره کند و شاید قهقهه دیپلماتیک بلاوجه‌تر از آنچه بود که قبل‌تر مشاور رئیس‌جمهور سعی کرد القا کند.

سیاحت در سیاست

پوریا علم‌دانی

گفت‌وگو با مدیر گروه ارتباطات شرکت مهیمن درباره موفقیت این شرکت در رویداد ITU

در جهان هم حرف برای گفتن داریم

هر روز که اخبار را چک کنید، بعید نیست خبری از موفقیت یک تیم ایرانی در یک نمایشگاه یا رویداد و مسابقه بین‌المللی بشنوید. البته اگر کمی از سطح اخبار تلویزیون عمیق‌تر بروید و دنبال برخی این نمایشگاه‌ها و رویدادها را بگیرید، متوجه می‌شوید که خبری که ته دل تان حس غرور ملی را برانگیخته، بیشتر یک نمایش تبلیغاتی بوده و آنطور که گفته‌اند، اپولوپی هوانشده و شق‌القمری رخ نداده است. اما چند وقت پیش یک خبر ابتدا در توئیتر و سپس در باقی شبکه‌های اجتماعی و در نهایت از صداوسیما پخش شد مبنی بر موفقیت یک شرکت ایرانی در رویداد ITU. چیزی که این خبر را بیشتر برای ما جذاب کرد، شریفی بودن این شرکت بود؛ همین شد که پایمان به شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات امن مهیمن باز شد و گفت‌وگوی کوتاهی با یوسف جعفرنیا، مدیر گروه مخابرات این شرکت انجام دادیم تا بیشتر در جریان ماجرا قرار بگیریم. جعفرنیا ورودی ۸۷ برق و ۹۵ MBA شریف است که از طرف مهیمن در رویداد امسال ITU حضور پیدا کرده بود.

گفت‌وگو



شرکتی از دل شریف

شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات امن مهیمن از جمله شرکت‌هایی است که دوز شریفی بودن بالایی دارد؛ هم بنیان‌گذاران و مدیرانش شریفی‌های سابق بوده‌اند که هنوز در شریف رفت‌وآمد دارند و هم مقصد خوبی برای دانشجویها و فارغ‌التحصیلان شریف است که از آنجا وارد بازار کار و صنعت ICT شوند. این شرکت در سال ۱۳۸۹ ثبت شده و مأموریت خود را ارتقای دانش در فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور، تولید محصولات دانش‌بنیان، پیشرو و به‌روز، بهره‌گیری از پتانسیل علمی موجود در دانشگاه‌های برتر کشور و هدایت تلاش‌های علمی در سطح تحصیلات تکمیلی به سمت نیازهای کشور تعریف کرده است.

مهیمن از چهار گروه تحلیل داده، موبایل، امنیت و نرم‌افزارهای سازمانی تشکیل شده و در حال حاضر حدود ۲۶۰ نفر نیروی انسانی در آن مشغول به کار هستند و تاکنون پروژه‌های مهمی را در سطح کشور در زمینه ICT انجام داده است.

| شدنش در این رویداد شد، چه بود؟

تیم ما روی موضوع رجیستری کار کرد که یک پروژه کلان ملی است. برای تضمین اصالت تجهیزات در شبکه مخابراتی و ارتباطی زیرساختی لازم است که به دولت برای کنترل ابزارهای موجود در شبکه کمک کند. آسیب‌پذیری‌هایی در این کار وجود دارد که امکان اصالت‌سنجی را سخت می‌کند. وقتی این موضوع به تیم مهیمن محول شد، توانستیم سامانه‌ای را به سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی تحویل دهیم که با کمک ابزارهای نرم‌افزاری اصالت‌سنجی تجهیزات موجود در شبکه را با وجود آسیب‌پذیری‌هایی نظیر تغییر شناسه‌ها و غیره، امکان‌پذیر می‌کرد.

| چرا این پروژه برای ITU مهم بوده و آن را برگزیده است؟

این پاسخی که مهیمن برای این مسأله ارائه داده است، می‌تواند به رگولاتورهای کشورهای در حال توسعه کمک کند. توجه کنیم که رگولاتورهای کشورهای در حال توسعه نیز همچون کشور ما با این مشکل مواجه هستند و با توجه به تجربه موفق‌ی که این روش در ایران داشت، امکان ارائه این راهکار به دیگر کشورها نیز وجود دارد.

| مدت زمانی که روی این پروژه کار کردید، چقدر بود؟

این پروژه از زمانی که صورت‌مسأله ارائه شد تا زمانی که وارد فاز راه‌اندازی شد، کمتر از ۵ ماه طول کشید.

| چند نفر در تیم بودند؟

حدود ۲۵ نفر در این تیم کاری شرکت داشتند.

| جایزه‌تان چقدر بود؟

[می‌خندد] این جایزه بخش نقدی ندارد و اعتباری که نصیب برندگان آن می‌شود، فقط معنوی است. البته این جایزه برای ما ارزشمند است چون کمک می‌کند در فضا‌های جهانی شناخته شویم.

که به‌عنوان SME شناخته می‌شوند و مخفف Small and Medium Enterprise است. در این دسته‌بندی، شرکت‌هایی که حدوداً زیر ۲۵۰ نفر کارمند دارند، به‌عنوان شرکت‌های کوچک و متوسط نامیده می‌شود. **آیا از شرکت‌هایی که نامشان برای ما آشناست، در این رویداد شرکت می‌کنند؟**

بله، شرکت بزرگی که جایزه امسال را گرفت، «هواوی» بود.

| روند حضور شما در این مسابقات چگونه بود؟

در بخشی که ما شرکت کردیم، ۲۵۰ شرکت متقاضی بودند که اعلام اولیه‌ای برای حضور در رویداد داشتند. در این مرحله پس از پایش اولیه که به‌صورت غیرحضور روی طرح‌ها انجام می‌شود، شرکت‌هایی که به بخش دوم می‌روند، موظف هستند اسناد و اطلاعات لازم را درباره طرح‌شان اعلام کنند. پس از موفقیت در این مرحله، مصاحبه‌ای حضوری انجام می‌شود که تیم‌های راه‌یافته به این بخش در مقابل داوران از خود دفاع می‌کنند.

| جوایز این رویداد در چه زمینه‌هایی است؟

جوایز این بخش در چهار محور به شرکت‌های برتر تعلق می‌گیرد. محورهای این بخش شامل بهترین مدل کسب‌وکار، مقیاس‌پذیرترین راهکار یا محصول، بیشترین تأثیرگذاری اجتماعی و نوآورانه‌ترین بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات است که مهیمن در این بخش آخر یعنی قسمت نوآورانه‌ترین بهره‌گیری از ICT مقام دوم را کسب کرد.

| رقبایتان از چه کشورهایی بودند؟

تیم اول که شرکتی از سوئیس بود، راهکارهایی نوین در پروت و سیستم‌های سرمایه‌شی ارائه کرده بود و تیم سوم هم از لهستان در این رویداد حضور داشت و در زمینه تصویربرداری ماهواره‌ای کار کرده بود.

| کاری که مهیمن انجام داد و باعث برگزیده

در خبرها خواندیم که شرکت مهیمن برنده جایزه‌ای در رویداد ITU شده است. در ابتدا، توضیحی در مورد ITU می‌دهید که چه رویدادی است و از طرف کجا برگزار می‌شود؟

اتحادیه بین‌المللی مخابرات که ITU نامیده می‌شود، مجموعه‌ای است که به‌عنوان یک بخش از سازمان ملل فعالیت می‌کند و فعالیت‌هایش زیر نظر این سازمان است. این اتحادیه وظیفه دارد استانداردسازی مخابرات را در سطح جهان انجام دهد، مخابرات رادیویی جهانی را مدیریت کند و توسعه مخابرات در سطح جهان را پیش ببرد.

یعنی تمام شرکت‌های بزرگ دنیا از استانداردهای این سازمان استفاده و تبعیت می‌کنند؟

حاکمیت‌های کشورهای مختلف و بازیگران بزرگ عرصه مخابرات و ارتباطات تحت قوانین این سازمان فعالیت می‌کنند و از این جهت رگولاتوری ایران و سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی نیز در این سازمان فعال است و حضور دارد. این اتحادیه، یک رویداد سالانه هم با نام ITU-Telecom World برگزار می‌کند. امسال این نشست در بوداپست و از ۹ تا ۱۲ سپتامبر بود و سال آینده هم در ویتنام برگزار می‌شود. سال قبل نیز آفریقای جنوبی میزبانی این رویداد را بر عهده داشت. **این رویدادی که به آن اشاره کردید چیست؟ چه برنامه‌ها و قسمت‌هایی دارد؟**

در این نشست‌ها برنامه‌های مختلفی وجود دارد که شامل نمایشگاه، میزگردها، جلسات مشترک و... است. ذیل این برنامه‌ها جوایزی نیز اهدا می‌شود که در سه دسته کلی تقسیم می‌شود. جایزه‌های دسته اول، به دولت‌ها و رگولاتورها تعلق می‌گیرد. جوایز دسته دوم، شرکت‌های بزرگ را شامل می‌شود و دسته سوم نیز جوایز مخصوص شرکت‌های متوسط و کوچک است

تقریب اعداد گنگ با استفاده از کسرهای گویا

تقریب اعداد گنگ با استفاده از کسرهای گویا، از زمان ریاضی دانان یونان باستان یکی از مهم ترین مسائل مورد بحث در ریاضیات است. حالا به نظر می آید مقاله ای که دو ریاضی دان در ماه جولای در سایت arxiv.org منتشر کرده اند، اثباتی است بر مسأله حدس دافین-شافر که شرایط لازم برای تقریب اعداد گنگ با کسرهای گویا را بیان می کند.

این مقاله که جفری والر، استاد دانشگاه نگزاس آن را یک مقاله زیبا توصیف کرده است، برای مسأله ۸۰ ساله حدس دافین-شافر، اثباتی ارائه می دهد که شرایط مورد نیاز برای تخمین اعداد پایان ناپذیر (مثل عدد پی) با کسرهای گویا را بیان می کند.

کوکولوپولس (Koukoulopoulos) از دانشگاه مونترال و مینارد (Maynard) از آکسفورد، دو نویسنده این مقاله دید خود را نسبت به مسأله عوض کرده و به جای متمرکز کردن نگاه خود فقط به اعداد، از ارتباط نقاط و خط ها در گراف استفاده کرده اند.

اعداد گویا اعداد بی دردسری هستند اما اگر قسمتی از نمودار اعداد حقیقی را در نظر بگیریم، قسمت اعظم آن را اعداد اعشار دار پایان ناپذیری تشکیل داده اند که اعداد گویا در میان آنها کمیاب به حساب می آیند. این اعداد که همه جا هستند و تعدادی از آنها مثل e و π که بسیار در فیزیک و سایر علوم دیده می شوند، اسامی مخصوص خود را دارند اما تا کجا می توانیم به این اعداد نزدیک شویم؟ دیریکله، دانشمند آلمانی در سال ۱۸۳۷ قانونی برای تخمین اعداد گنگ پیدا کرد و ثابت کرد که برای هر عدد گنگ، تعداد نامتناهی کسر پیدا می شود که این عدد را تقریب می زنند. خطای هریک از این تقریب ها، کمتر از یک بر مخرج به توان دوی کسر است.

در سال ۱۹۴۱ دافین و شافر، دو ریاضی دان آمریکایی مسأله تقریب اعداد گنگ را به صورت زیر تغییر دادند: آیا می توان تعداد نامتناهی زیاد کسر پیدا کرد که همه اعداد گنگ را تخمین بزنند؟

اعدادی به صورت $2/n$ و $10/n$ در نظر بگیرید؛ مشخص است که فاصله کسرهایی با مخرج ۱۰ از هم کمتر از فاصله آنهايي است که مخرج ۲ دارند. حالا یک مجموعه نامتناهی از اعداد دلخواه را به عنوان مخرج در نظر بگیرید: اعداد اول، اعداد فرد یا هر عدد دیگری، و مشخص کنید با هر یک از این اعداد با چه دقتی می خواهید به یک عدد گنگ نزدیک شوید. اگر خطای انتخاب شده به اندازه کافی کوچک باشد، یک عدد گنگ

دانستنی ها

پژوهشگران در آزمایشی نشان دادند که یکی از ساختارهای پایه ای حیات به نام «باز نوکلئوتیدی» ممکن است از ابرهای گازی فضای بین ستاره ای سرچشمه گرفته باشد.

اساسی ترین ساختار سازنده DNA به نام باز نوکلئوتیدی برای اولین بار در محیط شبیه سازی شده ابرهای گازی، در فضای بین ستاره ای آشکار شد. دانشمندان قبلا ترکیبات آلی را که در به وجود آمدن حیات ضروری است، در دنباله دارها، شهاب سنگ ها و ابرهای بین ستاره ای آشکار کرده بودند. باور رایج بر این است که این ترکیبات آلی، حدود ۴ میلیارد سال قبل در اثر برخورد شهاب سنگ ها به زمین رسیده اند و مواد لازم برای حیات را فراهم آورده اند. فهم نحوه شکل گیری این مولکول ها در سرچشمه حیات بسیار لازم و ضروری است. پایه ای ترین ساختار DNA و RNA نوکلئوتید نام دارد که از باز نوکلئوتیدی، شکر و فسفات تشکیل شده است. مطالعات پیشین که محیط های بین ستاره ای را شبیه سازی کرده، وجود شکر و فسفات را آشکار کرده اند

گزارش

نوشین ترابی

New results

Theorem (K.-Maynard (2019))

The Duffin-Schaeffer conjecture is true



کوکولوپولس (چپ) و مینارد (راست)، مقاله خود را در ماه جولای و در ایتالیا ارائه دادند.

به شمار می رود.

مینارد که به طور تصادفی و با تشویق یکی از استادان دانشگاه یورک، به سمت کار روی این مسأله کشیده شده است، یک ریاضی دان نظریه اعداد است که حوزه کاری او دقیقا مرتبط با این مسأله نیست اما به نظر می آید کار کردن روی این موضوع با دیدگاهی خارج از این محدوده، بسیار مفید بوده است.

قابل ذکر است با اینکه به نظر می آید اثبات ارائه شده درست است، برای تأیید آن حداقل چند ماه زمان نیاز خواهد بود

منابع:

scientificamerican.com
quantamagazine.org

عناصر سازنده حیات در فضای بین ستاره ای



اما خبری از باز نوکلئوتیدی نداده بودند.

گروهی از پژوهشگران ژاپنی دانشگاه هوکایدو با به کارگیری روش های آنالیز پیشرفته موفق به آشکار کردن این ترکیبات پایه ای شده اند. این گروه آزمایش خود را در محفظه خلأ و با ترکیباتی از بخار آب، مونواکسید کربن،

آمونیاک و متانول که به طور مداوم در دمای ۲۶۳- درجه سلسیوس قرار داشت، انجام دادند. نور فرابنفش مورد نیاز واکنش های شیمیایی از طریق دو لامپ دوتریمی فراهم شده بود. این فرآیندها منجر به تشکیل صفحه ای یخی در داخل محفظه شد. محققان با استفاده از طیف سنج جرمی با دقت بالا و روش های کروماتوگرافی موفق به آشکارسازی باز نوکلئوتیدی شدند. این تیم از محققان بر این باورند که آزمایش های پیشین که فضای بین ستاره ای را شبیه سازی کرده بود، احتمالا این ساختارهای پایه ای را تولید کرده باشند اما ابزارهای پیشرفته برای آشکارسازی آن در اختیارشان نبوده است.

پژوهشگران بر این باورند که نتایج این پژوهش ممکن است کلیدی برای درک پایه ای ترین پرسش های بشر باشد از جمله اینکه چه ترکیبات آلی هنگام تشکیل منظومه شمسی وجود داشته اند و منجر به پدید آمدن حیات بر روی زمین شده اند. نتایج این پژوهش در مجله Nature Communications به چاپ رسیده است.

منبع: phys.org

ترنسفر مرهای ناسا (Transformer)

چه می شد اگر مینی ربات هایی را که می توانستند بغلتند، پرواز یا شنا کنند در یک ربات ادغام می کردند؟ گروهی در ناسا به سرپرستی علی اکبر آقامحمدی در پروژه ShapeShifter چنین رباتی طراحی کرده اند که در وضعیت های گوناگون تغییر وضعیت می دهد و به این رویای علمی-تخیلی رنگ و بوی واقعیت بخشیده است.

چهارشنبه گذشته تصویری از ربات ShapeShifter از سوی آزمایشگاه پیش رانش جت ناسا (JPL) منتشر شد. محققان در حال تست نمونه چاپ شده ۳ بعدی این ربات غیرعادی بودند. در این نمونه اولیه ربات می تواند دونیم شود و هر قسمت جداگانه پرواز کند یا با هم ادغام شوند و روی زمین بغلتند. این نمونه تازه اول کار است. این گروه در فکر ۱۲ سری ربات در قالب یک ربات هستند که می تواند به عنوان شناگر و یا غارنورد تغییر شکل دهد و مناطق سخت را مورد بررسی و اکتشاف قرار دهد. آقامحمدی بیان می کند که هدف اصلی این پروژه کاوش قمر سیاره زحل، به نام تیتان است. تیتان مانند زمین تنها مکانی در منظومه شمسی است که ماده به حالت مایع در قالب دریا، دریاچه و رودخانه در سطحش وجود دارد. کاوشگر کاسینی حدود ۲۰ سال، صدها بار بر روی تیتان پرواز کرد و از سطح آن برای ماموریت های آینده نقشه برداری کرد. چیزی که کاسینی دریافت کرد این بود که تیتان به طرز هیجان انگیزی مشابه زمین است. یک تفاوت کلیدی بین این دو در این است که دریاها و رودخانه های سرد تیتان از جنس متان و اتان بودند در حالی که این مواد حالت گازی در زمین دارند. اطلاعات محدود درباره ترکیب سطح تیتان مثل زمینی از جنس سنگ، دریاهایی از جنس متان و... محققان را وادار به طراحی چنین رباتی کرده است که بتواند در همه نوع ساختار محیطی به بررسی و اکتشاف بپردازد. این تیم فاز ۲ پروژه خود را در سال ۲۰۲۰ ارائه می دهند. حتی اگر طرح پیشنهادی مورد قبول واقع شود، باز هم زمان زیادی نیاز است تا این ربات بتواند به تیتان سفر کند. پروژه بعدی ناسا به تیتان پروژه Dragonfly است که پرتاب آن برای ۲۰۲۶ برنامه ریزی شده است.



از کوارک تا کیهان

سینا هوشنگی

سینا هوشنگی

عظمت از دست رفته

مصاحبه‌کناری را خواندید؟ اگر نه، بخوانیدش و بعد برگردید اینجا.

چرا اصرار داشتم اول مصاحبه را بخوانید؟ چون می‌خواستم شناخت بیشتری از این فرد پیدا کنید. مالرو جمله معروفی دارد که می‌گوید: «بارزش‌ترین کار تلاش برای آگاه کردن انسان‌ها از عظمتی است که درون

آن‌هاست و خود از آن بی‌خبرند.»

در زندگی پرهیاهوی این روزها، زندگی‌ای که پر شده از هزاران اینفلوئنسر عجیب و غریب اینستاگرام، شخصیتی‌خاصیت‌یوتیوبرواشخاص معروف پوچ و توخالی‌وبی‌هیچ‌استعداد خاصی، اینکه به خاطر مطلب روزنامه بروی‌بگردی‌ودنیای‌قدیم‌را به دنبال آدم معروف‌های قدیمی زیرورو کنی، یک موهبت است. اینکه ببینی آن زمان‌ها چطور آدم‌هایی مورد توجه بوده‌اند و چطور این توجه را به دست آورده‌اند و حالا که معروفند، به چه آدم‌هایی تبدیل شده‌اند. دل آدم ضعف می‌رود برای حس کردن نگاه خاص آنها به زندگی، ودلت می‌گیرد وقتی می‌بینی چقدر از آن نگاه‌ها دور شده‌ایم. آخر دیگر با کی می‌شود این روزها درباره «عظمتی که درون انسان‌هاست» حرف زد، که بهت نخندد؟ اصلا خود آن عظمت را کجا می‌شود پیدا کرد؟

دنیای قدیم اینترنت نداشت. شبکه اجتماعی هم نداشت. جایی وجود نداشت که آدم‌ها در آن رُست انجام کاری را بگیرند و لایک دریافت کنند. در دنیای قدیم، آدم‌ها «واقعا» کار درست را انجام می‌دادند و کسی هم نبود که بهشان لایک بدهد. اما این مهم نبود.

دنیای امروز، شده دنیای رسانه. آنی که رسانه‌ها بخواهند، توجه دریافت می‌کند و آنی که نخواهند، دیده نمی‌شود. کسی که هیچ استعداد خاصی ندارد و هیچ کار مفیدی هم برای بشریت نکرده، قهرمان و میلیونر می‌شود. خیلی‌ها متخصص چیزی هستند، بدون اینکه زحمتی برایش کشیده باشند. بعضی‌ها هم‌زمان هم نقاش هستند، هم نویسنده، هم عکاس و هم هفت، هشت تا چیز دیگر، بدون اینکه اثر خاص و مهمی خلق کرده باشند یا تجربه بارز زشی کسب کرده باشند. خیلی‌ها قهرمان و معروف و محبوب هستند، به دلایلی که اگر یک‌بار پیش خودتان تکرارشان کنید، خنده‌تان می‌گیرد. کلا قهرمان شدن، آسان شده و «توجه» کالایی بسیار ارزان.

در چنین آشفته‌بازاری، سیر و سیاحت در دنیای قدیم، مثل سوار شدن در یک ماشین زمان جادویی است که از این وضعیت نجاتت می‌دهد. (انصافا در این مورد، اینترنت نعمت است)

درباره آندره مالرو، نویسنده فرانسوی که بیش از آنچه ما او را بشناسیم، او ما را شناخته است

از فرانسه به ایران، با عشق

«آندره مالرو» را می‌شناسید؟ نویسنده کتاب «ضد خاطرات». اگر نه، پس باید بیشتر کتاب بخوانید. مالرو نویسنده برجسته فرانسوی است که در ایران بیشتر از همه با همین ضد خاطرات شناخته شده است. مالرو زندگی پر ماجرای داشته و تجربیات مختلفی را از سر گذرانده؛ اولین شغلش خرید و فروش سهام بود، بعد از آن به خاطر دغدغه‌های شخصی به خبرنگاری برای روزنامه و کتاب‌نوشتن روی آورد. بعد از آن عضو یک گروه باستان‌شناسی شد و در جنگ جهانی دوم، راننده تانک بود! بعد از جنگ هم به‌عنوان وزیر فرهنگ در کشورش، فرانسه فعالیت کرد. هیچ می‌دانستید که مالرو به ایران هم آمده و بسیار هم شیفته‌اش شده؟ خصوصا اصفهان، که در موردش گفته: «چه کسی می‌تواند ادعا کند زیباترین شهر دنیا را دیده وقتی هنوز اصفهان را ندیده باشد؟» اگر هیچ‌کدام از اینها را نمی‌دانستید، پس حتما گلچین مصاحبه‌هایش را بخوانید.

گفت‌وگو

ترجمه: سحر یختیاری



در دیدار با دانشجویان و استادان ایرانی در سفر به ایران، گفتگو با پرویز ناتل خانلری، سال ۳۷:

آقای مالرو، مدتی‌ست که دیگر رمانی ننوشته‌اید. راستی چرا دیگر رمان نمی‌نویسید؟ واقعا کاملا تصادفی اینطور شده که این روزها رمان‌نویسان، رمان را کنار گذاشته‌اند؟

خیر، درست متوجه شدید. زمان ما دیگر دوره رمان‌نویسی نیست. به این سبب است که رمان به معنی واقعی کمتر نوشته می‌شود. آنها هم که رمان می‌نویسند، بیشتر صورت نقل و روایت را در رمان‌های خود اقتباس می‌کنند.

اما نگفتید که علت عدم رواج رمان چیست؟

علت این است که چیزهایی جای رمان را گرفته. آنچه در زمان ما با رمان رقابت می‌کند، خبر حوادث روزنامه‌هاست. از این حرف تعجب نکنید. استخوان‌بندی هر رمانی چیزی به جز چند حادثه ناگهانی نیست...

پس به نظر شما رمان کنار گذاشته می‌شود؟

نه، اما باید بعد از این راه دیگری پیدا کرد. بسیاری از نویسندگان امروز در رمان‌های خود از عالم واقع روگردان شده و به عوالم خیالی پناه برده‌اند. همین صادق هدایت شما نمونه و مثلی برای این معنی است. سراسر داستان در دنیایی میان خواب و خیال می‌گذرد. بسیاری از رمان‌نویسان دوران من هم می‌کوشند دنیایی کنایه‌آمیز یا تمثیلی بیافرینند. این یک راه است، اما تنها راه نیست. باید منتظر بمانیم و ببینیم نویسندگان آینده چه راه حلی برای این مسأله پیدا می‌کنند.

درباره شعر هم همین نظر را دارید؟ اتفاقا من می‌خواستم این را از شما بپرسم. می‌دانم که کشور شما مهد شعر و شاعری است. تر جمه فرانسوی آثار بسیاری از شاعران شما را خوانده‌ام. دلم می‌خواهد بدانم سبک تازه‌ای در شعر به وجود آمده یا همچنان پیروی از سنت‌های کهن ادامه دارد؟

می‌دانم که شاعران جوان ما همه به تقلید از سنت‌های گذشته نمی‌پردازند ولی هر کدام مسیری در پیش گرفته‌اند و باید دید چه اقبالی پیدا می‌کنند.

و فکر می‌کنید شیوه‌های قدیم و اشعار شاعران قدیم شما کنار گذاشته شوند؟

من فکر می‌کنم قوت و ارزش ادبی آثار شعری قدیم به قدری زیاد است که هیچ‌گونه جدیدی نتواند باعث کنار گذاشته شدن آنها بشود.

با این نظر شما موافقم. و فراتر از آن، فکر می‌کنم خودتان هم نباید بگذارید چنین

اتفاقی بیفتد. اعتبار و ارزش این آثار در طی زمان ثابت شده و ظهور نظرها و گونه‌های ادبی جدید، فقط باید باعث شود با انطباق آنها بر آثار کهن، زیبایی‌های جدیدی در آنها کشف شود.

خود من چنین چیزی را در هنر نقاشی تجربه کردم. علاقه‌مندی من به مینیاتورهای ایرانی به واسطه تحقیق و مطالعه در تاریخ نبود، به دلیل مشابهتی بود که میان رنگ‌آمیزی و طراحی‌های ماتیس، نقاش فرانسوی با مینیاتورهای ایرانی مشاهده کردم. می‌توان گفت او مرا

در شناخت آثار فاخر نقاشی ایرانی رهبری کرده است. بنابراین عجیب نیست اگر در شعر هم شیوه‌های نو باعث رواج بیشتر آثار قدیمی شده باشد.

از اینکه وقت خود را در این اوضاع شلوغ در اختیار ما گذاشتید، بی‌اندازه ممنوم. من هم متشکرم که به من کمک کردید بعضی از افکارم را بیان کنم. [این سوال و جواب آخر فقط به این خاطر آوردیم که شما هم مثل ما از فروتنی این مرد شگفت‌زده شوید]

در گفتگو با ایران دزودی

«... ابتدای امر، یخ کرده بودم، اما بی‌تکلفی و سادگی رفتار مالرو سبب شد کم‌کم اعتماد به‌نفس همیشگی خود را بازیابم و به پرسش‌هایم بیندیشم. در مقابلم یکی از شخصیت‌های مهم جهانی نشسته بود و من سی و یک سال بیشتر نداشتم و جرأت کرده بودم بگویم که من هم نقاشم! فراموش نمی‌کنم که در طول گفت‌وگوی مان، مالرو سعی داشت در حد توان درک من صحبت کند و در واقع با برتری خود مرا خرد نکند. چنین حسی احترام و تحسین مرا بیشتر برانگیخت. به من گفت: «خاطر‌تان باشد مصاحبه امروز را کلا فقط می‌توانید پس از مرگم به چاپ برسانید.» به گفته او عمل کردم و چند سال بعد در سال ۱۹۷۶ آن را برای چاپ بردم. سردبیر پس از چند دقیقه سکوت ابراز کرد: این یکی از فشرده‌ترین و زیباترین مصاحبه‌های مالرو است. گویی تمام

مصاحبه‌هایش را فشرده کرده باشند. این گفت‌وگو چکیده همه آنها شده است. شاید او می‌خواسته زیباترین مصاحبه‌اش پس از مرگش منتشر شود:

به نظر شما چه چیز در زندگی اهمیت دارد؟

مبارزه در راه برداشتن موانع از سر راه‌مان. | «غیر ممکن» را در چه می‌دانید؟ در ناتوانی. در اینکه آدم آرزوی انجام کاری را در سر پیرواند ولی توانایی انجام آن را نداشته باشد. اما این اظهار نظر هم نمی‌تواند قطعی باشد، چرا که مثلا ما هنگامی که مبارزه زیر پرچم نهضت مقاومت فرانسه را شروع کردیم، هیچ امکانی در اختیار نداشتیم ولی بعدها اقدام‌مان امکان‌پذیر شد.

درباره نسل حاضر و جوانان چه فکر می‌کنید. آیا جوانان را در حال تعالی می‌بینید یا در حال هبوط؟

قدر مسلم اینکه مشکل جوانان جهانی است. جوانان طبعاً معترض‌اند، چه در پاریس، چه در توکیو، چه در سافرانسیسکو. مشکل جوانان ملی نیست، بین‌المللی است. اما کلید قضیه کجاست؟ من دلیل آن را همان طور که روزی در مصاحبه‌ای با روزنامه فیگارو گفته بودم، در این می‌بینم که تمدن معاصر فکر خدا را از ذهن‌ها به کلی بیرون رانده است. در حالی که به گمان من نمی‌توان در هیچ تمدن متعالی فکر خدا را از میان برد و چیزی جانشین آن ن ساخت. بنابراین یا باید مذهب را همر باشد، یا یک مرجع دیگر. جوان امروزی چه در فرانسه، چه در ژاپن و چه در هر کشور دیگر دنیا، تکلیف خودش را با خدا نمی‌داند. این غیر ممکن است. هیچ تمدنی نمی‌تواند بازیر پا گذاشتن آنچه من «ارزش‌های والا» می‌نامم، به حیات خود ادامه دهد.

شما خدا را چگونه توصیف می‌کنید؟

این توصیف اهمیتی نخواهد داشت. من به آن جمله قدیمی معتقدم که «هرکسی خدا را از چشم خوشتن می‌بیند.»

بشر را، چه تنها و چه به‌طور جمعی، چگونه می‌بینید: آیا بشر خود خالق جهانی است که در آن به سر می‌برد؟

در حال حاضر نمی‌توانیم بشر را توصیف کنیم. این کلمه از نقطه نظر مذهبی معنایی دارد، و از نقطه نظر‌های ضد مذهبی، مثلا علمی، مفهومی دیگر. آنچه بدیهی می‌نماید این است که بشر امروز از قدرتی برخوردار است که سابقا بر خوردار نبوده. مثلا به ماه و بمب اتم دست یافته است. اما یک ضعف بزرگ گریبان گیر اوست و آن هم ضعف معنوی است که هیچ‌گاه بشر را تا این حد گرفتار نکرده بود. رفتن به ماه اگر به خودکشی بشر منجر شود، چه سودی خواهد داشت؟

شاید شنیده باشید که نام نخستین انسان در اساطیر ایرانی، گیومرث به معنای جان‌میرنده است؛ گیو به معنای جان و مرث، میرنده. همین ریشه است که رد پای در واژه‌های مرگ، مرد، مردم دارد. انگار واژه مرگ، مثل اندیشه‌اش بزرگ‌ترین خوره‌ای است که به جان آدمی افتاده است؛ طوری که مرگ از آگاهی او نسبت به خویش جدایی‌ناپذیرست.

پس دیگر بار حسین را ببرند تا بر دار کنند. صد هزار آدمی گرد آمدند و او چشم گرد می‌آورد و می‌گفت: حق، حق، حق، أنا الحق! نقل است که درویشی در آن میان از او پرسید: عشق چیست؟ گفت: امروز بینی، و فردا بینی، و پس فردا بینی. آن روز بکشتند، دیگر روزش بسوختند، و سوم روزش به باد بردادند. یعنی عشق این است.

(برگرفته از تذکرةالاولیاء عطار نیشابوری؛ از روی نسخه نیکلسون، به کوشش ا.توکلی)

مقایسه‌ای میان «آرش کمانگیر» و «مهره سرخ» دو اثر حماسه‌گون کسرایی

آرش و سهراب در آتش سیاوش

گزارش

علیرضا جعفری

سیاوش کسرایی؛ نامی که به رغم تأثیرگذاری فراوانش، امکان چندانی برای شنیده شدن در ادبیات فارسی نداشته است. شاید بتوان تخیل صاحب این نام را ویژگی بارز وی در میان شاعران بی‌مانند معاصر دانست، با این حال ردپایش در ادبیات فارسی و به‌خصوص در بین کتب آموزشی کمتر دیده می‌شود. عامل بیرونی که این امکان را از نام کسی چون کسرایی سلب کرد، هجمه‌های تبلیغاتی علیه اوست که کسرایی را شاعر حزب توده معرفی می‌کند. این معرفی به‌عنوان پیش‌فرضی عمل می‌کند که بر قضاوت درباره اشعارش تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارد.

اما کسرایی، خود نیز در این سلب امکان بی‌تأثیر نبوده است. کسرایی اشعارش را تا حد صفحه حوادث روزنامه‌ها تنزل داده بود. التزام و علاقه سیاوش کسرایی به واکنش نشان دادن نسبت به هر اتفاقی به وسیله شعر، او را به وقایع‌نگاری که از قضا موزون سخن می‌گوید، تبدیل کرده بود. این رویه باعث شد تا کسرایی مجال کار کردن بر اشعار خود را نداشته باشد.

در بعضی موارد از وزن افتادگی در اشعار او به وضوح دیده می‌شود. کسرایی با وجود استعدادی شاید بی‌نظیر در تصویرسازی، بازبانی ناپخته و پرورش نیافته و گاهی به دلیل دل‌بستگی بسیارش به نیما، بازبانی تقلیدی به اشعار خود ضربه زده است. اما آنچه همچنان اهمیت مطالعه کسرایی را دوچندان می‌کند، حماسه‌های اوست. کسرایی شاعری از تبار ناکامی‌هاست، از نسلی می‌آید که از «آرش کمانگیر» به «مهره سرخ» رسیده است. خلاصه کلام

این است: «آرش کسرایی که روزگاری برای ناامیدان سروده شده بود، در آخر به سهرابی بدل شد که نه به گردآفریدش رسید و نه نگین سرخش او را به رستمش رساند.» «آرش کمانگیر» بدون در نظر گرفتن نقص‌های لفظی حماسه، اثری کم‌نظیر با ساختمان شعری فوق‌العاده است. صحنه‌سازی‌های فوق‌العاده شاعر در بسیاری از قسمت‌های این حماسه خود را به وضوح نشان می‌دهد: «آرش، اما همچنان خاموش،



از شکاف دامن البرز بالا رفت
وز پی او،

پرده‌های اشک پی‌درپی فرود آمد» منظومه آرش کمانگیر کسرایی، میوه جوانی شاعر، در روزگار خود حکم نهال امید را داشت که در آینده‌ای نه‌چندان دور به درختی تبدیل شد. این منظومه چون روحی نو بر پیکره جامعه روشنفکری آن دوران دمیده شد. کمتر از یک سال پس از مرگ خسرو روزی به این منظومه انتشار یافت. عده‌ای آرش را همان خسرو تلقی

کردند. به‌آدین بر «آرش کمانگیر» مقدمه نوشت و این اثر به‌عنوان خوراکی تازه به جامعه فرهنگی آن روزگاه عرضه شد. آرش، به‌عنوان پهلوانی که جان بر کف، به جز باقی‌گذارن گردتن از خود و رهانیدن جان‌های دیگر راه دیگری را برای خود متصور نیست، توانست جانی دیگر بر پیکره مبارزه امید ببخشد. سال‌ها بعد در غربت، کسرایی منظومه‌ای به نام «مهره سرخ» را می‌نویسد. «آرش» کسرایی، آن‌گونه که بازگفتیمش، حال به سهراب، جوان خیرخواه ناکامی بدل شده است که هنوز زندگی را نزیسته به پای خطاهای خطیر نیک‌خواهانه‌اش و در انتظار نوش‌دارویی جان می‌دهد. سهرابی که شاید نزدیکی زیادی به احوال شاعر داشته باشد. کسرایی به‌گفته نزدیکانش در مسکو روز و شب در حال گریستن بوده است.

کسرایی، حال به سهرابی رسیده است که طعم عشق را «بی‌گاه و پرشتاب» چشیده و سیمای گردآفرید را «چون دسته گل، بر روی آب‌های روان دیده»، مادرش را در حالی می‌یابد که با اشک، «سرو سرخ‌فام» خود را بدرود می‌گوید. حال کسرایی، پهلوانی چون رستم که «چرخ بلندش نیسته دست» را، با چنین حالی که «در همه گیتی پیروز، در شکست» در اختیار دارد.

در دنیای کسرایی، به گفته خودش، آرش‌ها بسیار اندک و سهراب‌ها بی‌شمارند. سهراب‌هایی که «زخم چهل خورده به تاریکی» و در حالی که «دارو به گنج‌خانه کاووس شاه هست»، به تلافی آرزوهای در دل و نیک‌خواهی‌های در سر از دست می‌روند.

یادداشت

درباره جشنواره امی ۲۰۱۹
به خاطر یک مشت دلار

علیرضا
جعفری اسماعیلی

هرساله قبل از شروع جشنواره‌های سینمایی هالیوود، جشنواره مشابهی برای آثار تلویزیونی تولیدشده در سال گذشته برگزار می‌شود که از آن به نام جشنواره «امی» یاد می‌شود؛ جشنواره‌ای که بهترین‌های تلویزیون را در چهار بخش درام، کمدی، مینی‌سریال و برنامه تلویزیونی (Reality show) انتخاب می‌کند.

جشنواره امسال حتی پیش از شروع، چندین شگفتی شوکه‌کننده داشت؛ برای نمونه ریچارد مدن برای سریال تحسین‌شده بادبگارد نامزد نشد، جولیا درایفس پس از چند دوره متوالی نامزدی و برنده شدن برای سریال «Veep» حتی نامزد هم نشد. در این بین سریال مطرح Game of Thrones با وجود فصل آخر ناامیدکننده‌اش بیش‌ترین نامزدی‌ها را به دست آورد و همین باعث شد بحث تجاری بودن جوایز امی و پیروزی تبلیغاتی برنامه‌های تلویزیونی شدت بگیرد.

در دقایق انتهایی مراسم، مایکل داگلاس، هنرپیشه مشهور هالیوودی برای اعلام نام برنده مهم‌ترین جایزه مراسم یعنی «بهترین سریال درام» روی صحنه رفت. هنگامی که پاکت برنده را باز کرد، ابتدا نگاه متعجب معناداری کرد و سپس با تعجب سریال GoT را برنده اعلام کرد؛ تعجبی که اگر نام دیگر سریال‌های نامزد در این بخش را بدانیم، بی‌دلیل به نظر نمی‌رسد. در میان سایر سریال‌های نامزد، سریال Better Call Saul با فصل چهارم خیرکننده‌اش نمره بی‌نظیر ۹۹٪ را از منتقدان دریافت کرده بود و از این لحاظ برنده بی‌چون و چرای امسال بود. فارغ از این، سریال‌های تحسین‌شده دیگری مثل بادبگارد (۹۲٪)، ما همین هستیم (۹۲٪)، جانشین (۹۶٪)، کشتن ایو (۹۳٪) همگی در مقایسه با سریال GoT با نمره متوسط ۶۰٪ انتخابی برتر تلقی می‌شوند و تفاوت فاحشی با این سریال دارند. اتفاق مشابهی سال گذشته هم برای فصل هفت همین سریال رخ داد و با وجود افت فاحش سریال نسبت به فصل قبل و انتخاب‌های برتری مثل Better Call Saul، The Crown و... این سریال برنده شد. سازندگان سریال در هر دو سال از مردم و هواداران تشکر کردند که باعث محبوبیت و برنده شدن این سریال شدند. شاید بهتر بود از مسئولان شبکه و تجاری‌شدن تلویزیون تشکر کنند که برای تبلیغات بر تمامی استانداردهای فنی بهترین‌بودن خط کشیدند و با هزینه بیشتر بهای افت کیفیت را پرداخت کردند.

